

# رسالهٔ سیاست فرقانی در ذبح قربانی

[نگاهی دوباره به روایات ذبح قربانی]

◀ سیدحسین محدث عرب‌باغی (ارومی)

◀ تصحیح: ناصر باقری بیدهندی

## آثار مؤلف

برخی از آثار وی از این قرار است:

ایضاح در طهارت بدن میت مؤمن،  
اساس الإسلام (تبریز ۱۳۴۴ق)، اساس

۱. مرحوم خان‌بابا مشار، ۷۸ عنوان از کتابها و  
رساله‌های چاپ شده او را احصا کرده  
است. ر.ک: مؤلفین کتب چاپی، ج ۲،  
ص ۹۰۴-۹۰۹.

۲. ر.ک: نقباء البشر، ج ۲، ص ۱۶۶۴؛ مقدمه  
آثار او از جمله: تحفة المهدية و قواعد  
الدین؛ میراث فقهی (غنا، موسیقی)، ج  
۲، ص ۵۲۱؛ گنجینه دانشمندان، ج ۵،  
ص ۱۹۷.

علامه نامی سیدحسین عرب‌باغی (۱۲۵۴ -

۱۳۲۹ش) از نویسندگان تلاشگری است که  
در تمام دورهٔ زندگی خود، پیوسته با کوشش  
فراوان و مداوم به کار تحقیق و تالیف مشغول  
بوده و بالغ بر یکصد اثر<sup>۱</sup> در مباحث مختلف  
از خود به یادگار گذاشته است.

بسیاری از کتابها و رساله‌های ایشان در  
ایام حیاتش منتشر و در دسترس علاقه‌مندان  
قرار گرفته است.

دربارهٔ زندگی، اندیشه، اخلاق و آثار مکتوب  
و غیر مکتوب او اثری مستقل نوشته شده و نیز  
در کتاب‌های تراجم از او یاد شده است.<sup>۲</sup>



خلافاً)، احکام الإسلام، احکام سهله، اربعين در اربعين، رساله سياست فرقانی در ذبح قربانی، (این رساله در ضمن مجموعه ای به سال ۱۴۰۷ق، در قطع جیبی به چاپ رسیده و بر اساس آن، اکنون آماده نشر گردیده است).

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي أمرنا بالإقتصاد، نهانا عن الإسراف والإفساد، والصلوة على رسوله الذي جاء في ظلمات الحيرة بالنور المضىء لإرشاد العباد، وعلى آله الذين هم بعده عيبة علمه، و معدن الرشاد من الآن إلى يوم التناد.

و بعد، يك نفر از فضلاى اخوان دينى از احقر فانى از علت و سياست ذبح قربانى در اعمال حج در منا سؤال نمود. پس به عون جلّ جلاله در جواب مى گويد كه:

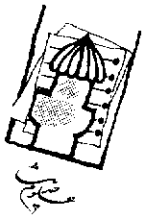
خداوند متعال، علت ذبح قربانى را در كتاب خود بيان فرموده، حيث قال الله فى سورة الحج:

فإذا وجبت جنوبها فكلوا منها و

أطعموا القانع والمعتر؛<sup>۳</sup>

۳. سورة حج، آية ۳۶.

ایمان در وجوب حجاب زنان (تبریز، سنگی)، دعائم الإسلام، قواعد الإسلام، سياسة الإسلام، ادراك در قباحت ثریاک، الصراط السوی در آداب مفتی و قاضی، أصل الإسلام (تبریز، سنگی) با سه رساله دیگر مؤلف در یک جلد)، رساله در وجوب نظام وظيفه، تحفة المهدية فى احوال الحجة، تحفة الشيعة فى رجعة الائمة، مسالك الشريعة فى العقائد الدينية، هداية الانام فيمن لقي الحجة فى المنام، كشف الغطاء عن وخامة الغناء (تحقيق محسن صادقى)، قواعد الدين فى احكام دين سيد المرسلين (تصحیح سيد محمود زرندى مشهور به محرى)، آداب الإسلام، مواظب اهل الإسلام، منتخب از نهج البلاغه، بحار الأنوار و ناسخ التواريخ (ترجمه سيد محمد ابراهيم بروجردى)، تحفة الاخوان در بطلان جبر و تفويض و اثبات امر بين الامرین (تصحیح سيد محمود موسوی زرندى)، كشف الاثر فى مسألة السفر، آداب الإسلام (با چهار رساله دیگر از مؤلف در یک جلد)، ائتلاف فى رفع الاختلاف (با يازده رساله دیگر مؤلف در یک جلد)، اثنى عشرية (در مسائل



واضح و معلوم می شود؛ زیرا که صریح آیات دلالت دارد بر اینکه آن قربانی از بهر خوردن و انتفاع فقرا و ضعفا و مساکین است.

و در تهذیب به سند صحیح از کنانی روایت کرده که حضرت صادق (ع) فرمود:

زمانی که در منا ذبح و یا نحر قربانی

نمودی، پس خودت از آن بخور و

اطعام کن به فقرا، چنان که خداوند

فرموده: «فکلوا منها و اطعموا

القانع و المعتر».<sup>۵</sup>

پس، آن حضرت فرمود:

مراد از «قانع»، آن کس است که

قناعت کند بر آنچه به او می دهی،

و مراد از «معتر»، کسی است که از

تو سؤال بکنند. و یکی از اطعام

شدگان در آیه دیگر «بائس فقیر»

است، که مراد، مطلق نوع فقرا و

ضعفاست، که به او نیز اطعام

می شود.<sup>۶</sup>

۴. همان، آیه ۲۸.

۵. همان، آیه ۳۶.

۶. التهذیب، ج ۵، ص ۲۲۴، ح ۷۵۷؛ نیز،

ر.ك: الكافی، ج ۴، ص ۵۰۰، ح ۵؛

الإستبصار، ج ۲، ص ۲۷۳، ح ۹۶۶؛

وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۶۴.

پس زمانی که، بعد از ذبح کردن

قربانی و یا نحر نمودن آن، به زمین

افتاد و روح آن مفارقت کرد، پس

بخورید از آنها و بخورائید از آنها به

فقرای قناعت کننده و بر سؤال

کننده طلب کننده.

و ایضاً در آن سوره فرمود:

علی ما رزقهم من بهیمة الانعام

فکلوا منها و اطعموا البائس الفقیر؛<sup>۴</sup>

خداوند را یاد نمایند در مقابل آنچه

از گوشت حیوانات به مردمان

روزی داده، و بخورید از آن قربانی

و اطعام بکنید از آن به محتاجین و

تنگدستان.

و حاصل مضمون این دو آیه شریفه این

است که از گوشت قربانی منا مآذون

می باشید که خودتان بخورید، و نیز باید از

آن به فقرای سؤال کننده و بر محتاجین و

درماندگان بدهید تا اینکه آن جماعت نیز در

هر سال، در آن وقت، از جهت دادن آن

گوشت ها به ایشان، چند روزی رفع

عسرت و پریشانی نمایند.

پس از این دو آیه شریفه، حکمت و

سیاست و صلاحیت ذبح قربانی در منا



و مثل این است، حدیث عبد الرحمان در کافی و معانی الاخبار و حدیث ابن عمار در کافی از آن حضرت. و ایضاً در کافی از ابی الصباح روایت کرده که از آن حضرت سؤال کردم از گوشت قربانی منا، پس فرمود که:

حضرت زین العابدین (ع) و حضرت باقر (ع) همیشه یک ثلث به فقرای همسایه خودشان و یک ثلث را هم به سؤال کنندگان می دادند و یک سهم باقی را از برای خانواده خودشان اطعام می نمودند.<sup>۷</sup>

و این حدیث را در فقیه<sup>۸</sup> و علل [الشرايع]<sup>۹</sup> نیز روایت کرده. و در کافی از حلبی روایت کرده، که از آن حضرت سؤال کردم از كفارة شكار کردن در حرم مکه - که برای آن، شتر و یا گاو یا گوسفندی ذبح کردن لازم می شود - آیا جایز است از گوشت آنها دهنده كفارة نیز بخورد یا نه؟ فرمود:

از گوشت قربانی می تواند بخورد؛ لکن ذبح كفارة شكار کردن را باید به فقرا تصدق بکند.<sup>۱۰</sup>

و این حدیث را در فقیه<sup>۱۱</sup> و مقنع<sup>۱۲</sup> نیز

روایت کرده [است].

و در فقیه در حدیث حجة الوداع روایت کرده، که حضرت رسول (ص) یکصد رأس شتر از برای خود و حضرت امیر المؤمنین (ع) در منا از جهت قربانی نحر کردند و چیزی از گوشت آنها خوردند. و آن حضرت فرمودند:

به درستی که خداوند قرار داده قربانی کردن را از جهت اینکه فقرا و مساکین از خوردن گوشت سیر بشوند. پس، گوشت قربانی را به فقرا بدهید.<sup>۱۳</sup>

و در مستدرک الوسائل، از کتاب جمعفريات به سند خود از حضرت صادق (ع) از پدرانش، از حضرت امیر المؤمنین (ع) روایت کرده، که حضرت رسول (ص) فرموده:

۷. الکافی، ج ۴، ص ۴۹۹، ح ۳۳، وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۶۳، ح ۱۸۸۷۷.
۸. الفقیه، ج ۲، ص ۲۹۴، ح ۱۴۵۷.
۹. علل الشرايع، ص ۴۳۸، ح ۳.
۱۰. الکافی، ج ۴، ص ۵۰۰، ح ۵.
۱۱. الفقیه، ج ۲، ص ۲۹۵، ح ۱۴۶۰.
۱۲. المقنع، ص ۸۸.
۱۳. الفقیه، ج ۲، ص ۲۱۰، ح ۲۱۳۶.



قرآن و احادیث عمل نمایند و علت و سیاست این حکم را - که مقصود از آن سیری فقرا و انتفاع عجزه و ضعفاست - نفهمیده، مانند آنکه صد نفر، هر یک به موجب نذر، کلاهی به سر یک فقیر از بالای یکدیگر بگذارند، در حالتی که آن فقیر بدنش سر تا پا برهنه و خودش از گرسنگی نزدیک است بمیرد. حاشا و کلا، که صاحب شرع انور این طور اعتراض به جهالت مسلمانان راجع است، نه بر حکم صاحب شرع؛ زیرا که خداوند در قرآن و پیغمبر و امامان (ع) در احادیث این را بیان فرموده اند، که علت و سیاست در ذبح قربانی در منا همان خوردن فقرا و انتفاع ضعفاست، چنان که در آیات و احادیث صحیحه ذکر گردید.

پس ایراد و اعتراض معترضین به صاحب شرع انور و بر قانون اسلام در این موضوع وارد نخواهد شد، و بلکه بر عمل مسلمین وارد است. اگر مسلمین زیاده بر

۱۴. مستدرک الوسائل، ج ۱۰، ص ۱۱۰؛  
الجعفریات، ص ۱۷۸.

۱۵. نیز، ر.ک: وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص  
۲۰۵ و ۲۰۱؛ علل الشرایع، ص ۴۳۷.

جز این نیست که خدای تعالی در منای قربانی قرار داده از جهت اینکه سیر بشوند مساکین و فقرای شما از گوشت. پس قربانی را به فقرا بخورائید. ۱۴

و از امثال این احادیث در کتب اربعه و مستدرک بسیار است. ۱۵ و این احادیث صحیحه، مثل آیات شریفه، بیان می کند که علت و سیاست ذبح قربانی در منا همان انتفاع فقرا و اطعام ضعفا و تنگدستان و رفع حاجت و رفع گرسنگی محتاجین است و احادیث در این باب، صراحت و دلالت واضحه دارد و منکر این دلالت صریحه، منکر ضروریات عقلیه است.

و این حکم، صریحاً حکم قرآن و فرمایش امامان ماست و ایراد و اشکال بر قرآن و بر حضرت ختمی مآب (ص) و اوصیای مرضیین (ع) او هرگز وارد نمی شود و در مقابل نص صریح هم، اجتهاد نتوان کرد. پس ابدأ کسی از داخله و یا از خارجه حق ایراد و اعتراض بر احکام خدا و فرمایش پیغمبر (ص) و امامان ندارد.

اگر مسلمانان بر حسب مفاهیم احکام



قدر حاجت، ذبح قربانی نکنند و قربانی خودشان را بعد از ذبح ضایع نمایند و مرتکب اتلاف مال و اسراف نشوند و آن قربانی را زنده به فقرا بدهند و یا ده نفر مثلاً در یک قربانی شرکت کرده، قیمت نه راس دیگر را به ضعفا و فقرا بدهند و از قیمت آنها مساکین مکه را غنی سازند، آیا در نزد صاحب شرع و احکام پذیرفته نخواهد شد؟ نعوذ بالله من الجهل و العمی ...

این معنا در اخبار و احادیث ائمه (ع) روشن است، که در اوایل اسلام، حکم چنین بود که گوشت قربانی را از منا و از حرم مکه خارج نکنند؛ یعنی به فقرای مکه تقسیم نمایند. بعد از زیاده شدن مسلمانان و شیوع اسلام، فرمودند که خارج کردن گوشت قربانی از منا و از حرم مکه عیب ندارد؛ چنان که در کافی در حدیث صحیح از محمد بن مسلم روایت کرده، که از حضرت صادق (ع) سؤال کردم از خارج کردن گوشت قربانی از منا، آن حضرت فرمود:

در زمان سابق گفته بودیم که گوشت قربانی را از منا خارج نکنند، از جهت حاجت فقرا به گوشت در خود منا، و اما در این روز، پس عیب

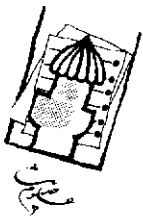
ندارد بیرون بردن گوشت قربانی از منا به جای دیگر. ۱۶

و این حدیث را در تهذیب [الاحکام] ۱۷ نیز از آن حضرت روایت کرده [است]. پس در این حدیث صحیح در کافی و تهذیب [الاحکام]، آن حضرت اجازه فرموده در زمان خودش به خارج نمودن گوشت قربانی از منا، از جهت نبودن فقرا و محتاجین بر گوشت، یا از جهت کثرت لحوم قربانی نسبت به عدد محتاجین؛ و حال آنکه در اوایل اسلام، خارج کردن آنجایز نبوده، از جهت حاجت فقرا و اجتماع ضعفا در منا برای خوردن و بردن گوشت قربانی.

و بلکه در احادیث، وارد شده که حکم گوشت قربانی در زمان خود پیغمبر (ص) تغییر یافت؛ چنان که در کافی و تهذیب [الاحکام] از ابن سدید از حضرت باقر (ع) و از کنانی از حضرت صادق (ع) روایت کرده اند که حضرت پیغمبر (ص) در

۱۶. الکافی، ج ۴، ص ۵۰۰، ح ۷؛ وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۷۲.

۱۷. تهذیب الاحکام، ج ۵، ص ۲۲۷، ۲۶۸؛ الإستبصار، ج ۲، ص ۲۷۵، ۹۷۷.



امروز عیب ندارد. به درستی که حضرت پیغمبر(ص) در اول اسلام، منع فرموده بودند، از جهت اینکه فقرا محتاج بودند به گوشت. و اما در این روز، پس عیب ندارد.<sup>۲۱</sup>

و این دو حدیث را نیز از احمد بن ابی عبد الله برقی در کتاب محاسن<sup>۲۲</sup> روایت کرده[است].

و ایضاً در فقیه روایت کرده که حضرت صادق(ع) فرمود:

ما در زمان سابق نهی می کردیم از خارج کردن گوشت قربانی بعد از سه روز از جهت کم بودن گوشت در منا و زیادتر شدن فقرا در آنجا.

۱۸. الکافی، ج ۴، ص ۵۰۱، ح ۱۰؛ التهذیب، ج ۵، ص ۲۲۶، ح ۷۶۳؛ الاستبصار، ج ۲، ص ۲۷۴، ح ۹۷۲.

۱۹. التهذیب، ج ۵، ص ۲۲۵، ح ۷۶۲؛ الاستبصار، ج ۲، ص ۲۷۴، ح ۹۷۱؛ الوسائل، ج ۱۴، ص ۱۶۹.

۲۰. التهذیب، ج ۵، ص ۲۲۶، ح ۷۶۴؛ الاستبصار، ج ۲، ص ۲۷۴، ح ۹۷۳.

۲۱. علل الشرایع، ج ۲، ص ۴۳۹.

۲۲. المحاسن، ص ۳۲۰، ح ۵۷.

اوایل اسلام، نهی فرمودند از نگاهداشتن گوشت قربانی بعد از سه روز در منا، و بعد از آن، اذن دادند و فرمودند که بعد از این، بخورید از گوشت قربانی و ذخیره بکنید از آن گوشت در خانه های خودتان.<sup>۱۸</sup>

و در تهذیب [الاحکام] از جابر انصاری روایت کرده که حضرت پیغمبر(ص) امر فرموده بودند به ما که گوشت قربانی را به بعد از سه روز نگاه نداریم و نخوریم، در اول اسلام. و بعد از آن، اذن دادند که بعد از سه روز نیز بخوریم و ترید و قلیه بکنیم، و قلیه را به خویشان خودمان هدیه نماییم.<sup>۱۹</sup>

و در فقیه از محمد بن مسلم روایت کرده، که حضرت باقر(ع) فرموده[است]:

که حضرت پیغمبر(ص) در اول اسلام، نهی فرموده بودند از

نگاهدشتن گوشت قربانی در منا زیاده بر سه روز، از جهت محتاج

بودن فقرا بر گوشت. و اما در امروز، پس عیب ندارد.<sup>۲۰</sup>

و ایضاً در فقیه از جمیل روایت نموده، که از حضرت صادق(ع) سؤال کردند از نگاهداشتن گوشت قربانی در منا زیاده بر سه روز، فرمود:



و اما در امروز، پس گوشت زیادت  
شده و فقرا کم تر گردیده و عیب  
ندارد بیرون بردن گوشت را از منا به  
خارج. ۲۳

و از امثال این احادیث، بسیار است که  
مضمون آنها تغییر حکم گوشت قربانی  
است در منا، بعد از شیوع مسلمانی؛ زیرا  
که در اول امر، بیرون کردن گوشت از منا  
زیاده بر سه روز در منا غیر جایز بوده، به  
جهت آنکه فقرا در اول اسلام، زیادت  
حج کننده کم تر بوده است، چنان که در  
این احادیث به این مطلب تصریح [شده]  
است.

و لذا ممکن است که اصل واجب که  
یک قربانی است، استحباب تعدد آن،  
ناظر به کثرت فقرا و قلت حج کنندگان  
باشد. و مبنی بر همین نظریه - که گفتیم -  
ممکن است که امروز، نظر به کثرت  
حج کنندگان و قلت محتاجین همان یک  
اصل واجب، باقی باشد، و ما عدای آن را  
در سایر حوایج فقرا و محتاجین صرف  
نمودن واجب و یا اقلاً مستحب باشد. و  
بلکه از اصل واجب نیز به قدر حاجت فقرا  
ذبح قربانی کرده، اضافه آن را هم در سایر

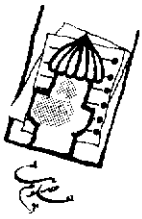
ضروریات فقرای آنجا مصرف کردن؛ به  
این طور که ده نفر یا بیشتر یا کم تر به  
اشترک، یک ذبح قربانی کرده، قیمت باقی  
را به محتاجین مکه، و بلکه به ضعفای  
ارحام و مساکین ولایت خودشان برسانند؛  
چنان که جایز بودن اشترک در قربانی یک  
راس گوسفند را تا هفتاد نفر در رساله  
اعمال حج به موجب احادیث صحیحه بیان  
کردیم.

و ممکن است در این زمان از قربانیها  
زیاده بر قدر حاجت فقرا را زنده به آنها  
بدهند، که تا فقرا و ضعفا از آنها و از منافع  
آنها حوایج زندگانی خود را در عرض آن  
سال، بلکه سالها انجام بدهند.

تمامی اینها موافق آیات و احادیث  
صحیحه - که در دست است - به رضای  
صاحب شرع انور مقرون است و در نزد او  
محبوب است؛ زیرا که غالب آنچه از  
قربانی در این زمان، ذبح و یا نحر  
می شود، یا از عدم حاجت و یا از ممانعت  
دولت به فقرا قسمت نمی شود. و بلکه به  
مجرد ذبح کردن، همان حیوان را مأمورین

۲۳. علل الشرایع، ص ۴۳۹؛ وسائل، ج ۱۴،





از آن، یک مسلمی بهره مند شود. و اگر قیمت آن داده شود به ضعف انتفاع بزرگی از آن خواهند نمود و اصل واجب به عمل خواهد آمد. و اصل واجب، هر چندی که در اول اسلام، ذبح کردن و بعد از آن، دادن آن به فقرا بوده، و لکن بعد از وجود مانع از دادن آن به فقرا و ضعفا، پس باید علت و مصلحت و سیاست و جوب قربانی را مراعات و حفظ کرد که فوت نشود. و آن سیاست و علت و مصلحت، همان انتفاع فقرا و رفع حاجت ضعف است و لا غیر. و در ذبح کردن، آن علت فوت می شود و مال مسلمین ضایع می گردد و تزییع مال، بدون جهت شرعی جایز نیست و بلکه حرام است.

علاوه بر این، به صاحب حق - که فقرا باشند - اشتغال ذمه کسی است، و با ذبح کردن قربانی با وجود دفن اجباری، حق فقرا فوت می شود، و ذبح کننده، مشغول ذمت می شود؛ زیرا که به ذبح نمودن قربانی، فقرا را از حق واجب خودشان محروم می کنند و اشتغال الذمه همین است. به علاوه، اینکه تزییع مال خود، فی حد نفسه امری است حرام. و اما در

دولت در گودالهایی که قبلاً کنده شده دفن می کنند، برای اینکه از تاثیر گرما گندیده نشده و تولید ناخوشی ننماید. و بدین جهت، گوشت و پوست آن حیوان در زیر خاک ضایع می شود و به مصرف فقرا و بر محتاجین نمی رسد؛ و حال آنکه مقصود شارع، امر به ذبح آن [برای] مصرف و حاجت فقرا و ضعف بوده، نه فقط کشتن آن حیوان، چنان که آیات و احادیث صریحه در آن باب ذکر شد.

بلی اگر قیمت آن را قبل از ذبح نمودن به محتاجین و بر مساکین ارحام و یا بر اهل ولایت خودشان بدهند، یا اینکه زنده او را به فقرا و محتاجین بذل نمایند، اولی و انسب است و آن قربانی به مصرفی که مقصود شارع است رسید و در محل خود، صرف خواهد شد؛ زیرا که در ذبح آنها به دست حج کنندگان، انتفاعی برای فقرا و ضعفا حاصل نمی شود، مگر از صدیقی دو و باقی در زیر خاک مانده و پوسیده می شود.

علاوه بر اینکه آن قدر نعمت الهی ضایع می شود، تقریباً هر سال یک میلیون ثروت مسلمین هیچ و پوچ می شود، بدون اینکه



دادن قیمت آن یا زنده آن به فقرا، پس حق ایشان به ایشان می رسد، و فقط ذبح کردن از جهت وجود مانع خارجی فوت می شود و آن ساقط است و مسئولیتی ندارد؛ چنان که جمیع واجبات به جهت وجود مانع، و جوب آنها ساقط می شود و شخص از به جا آوردن آنها معذور می شود.

پس باید در هر مقام از واجبات اسلام، مصلحت و علت و حکمت آن را ملاحظه و رعایت نماید و اهمّ و الزم را بر مهم و لازم مقدم بدارد، و تقدیم اهم، مثل مقدم بودن اعلم از واجبات است، و بلکه الزم بودن اهم، از فطریات، و معلوم همه کس حتی صبیان و نسوان است.

و علاوه، احادیث وارده در وصیت کردن به کعبه معظمه به دادن قیمت قربانی منا نیز می تواند شاهد بشود. چنان که در کافی و تهذیب [الاحکام] از یاسین روایت کرده، که از حضرت باقر (ع) شنیدم [که] قومی از مصر به مکه مسافرت کردند و یکی از ایشان در راه، وفات کرد و وصیت نموده که هزار درهم از مال او برای مکه بدهند.

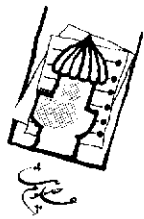
چون وصی او به مکه رسید، او را

دلالت کردند بر بنی شیبه - که خدام مکه اند -، و آن کس به نزد ایشان رفته، قضیه را نقل کرد. گفتند: آن مال به ما می رسد و ذمه تو بری می شود. آن کس مال را به ایشان نداد و مردمان او را به این مال دلالت کردند و او آمد به نزد من، و من به او گفتم که کعبه محتاج به این مال نیست. و لکن تو نظر کن به حاجیان که کدام یک از آنها نفقه ندارد و از مراجعت به وطن خودش عاجز گشته، و آن مال را به او بده، تا آخر حدیث. ۲۴

و ایضاً در کافی و تهذیب [الاحکام] از جابر جعفی روایت کرده اند که یک نفر از اهل مصر نقل کرد، که برادرم یک نفر کنیز خوبی داشت و او را وصیت کرد به کعبه. و من او را به کعبه آوردم. مرا دلالت کردند بر بنی شیبه، و بعضی از مردمان به جایی دیگر که به ایشان بدهم.

پس یک نفر از اهل مسجدالحرام به من گفت: آیا حق را به تو نشان بدهم؟ گفتم: بلی، تو را به خدا که مرا دلالت کن به او. گفت: آن کس، حضرت صادق (ع) است. پس من به حضور او رفتم و قضیه را

۲۴. الکافی، ج ۴، ص ۲۴۱، ح ۱؛ وسائل الشیعة، ج ۱۳، ص ۲۴۹.



بمانند؟ حاشا، ثم حاشا، نسبت این گونه کار جاهلانه را به او نسبت نمی توان داد.

و ایضاً از برای هر یک از اشخاص ذبح یک قربانی واجب نیست، و بلکه از برای چندین نفر یک قربانی کافی است؛ چنان که در کافی و تهذیب [الاحکام] از سواده روایت کرده اند، که به حضرت صادق (ع) عرض کردیم که قربانی به ما نایاب شده، فرمود: اجتماع بکنید و یک شتر خریده، نحر بکنید. عرض کردیم: قدرت نداریم. فرمود: یک راس گوسفندی بخرید. عرض کردیم: آیا یک گوسفند از هفت نفر کافی است؟ فرمود: بلی از هفتاد نفر نیز کفایت می کند.<sup>۲۶</sup>

و ایضاً از حمران روایت کرده اند که یک سال در مکه شتر گران شد. از حضرت صادق (ع) سؤال کردند، فرمود: شریک بشوید. گفتم: تا چند نفر؟ فرمود: هر قدر کم تر باشد، بهتر است.

۲۵. الکافی، ج ۴، ص ۲۴۲، ح ۴؛ وسائل الشیعة، ج ۱۳، ص ۲۵۱؛ التهذیب، ج ۹، ص ۲۱۳، ح ۸۴۲.

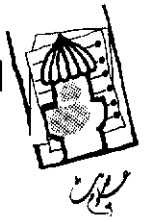
۲۶. الکافی، ج ۴، ص ۴۹۶، ح ۳؛ التهذیب، ج ۵، ص ۲۰۹، ح ۷۰۲؛ الاستبصار، ج ۲، ص ۲۶۷، ح ۹۴۷.

گفتم، فرمودند: کعبه محتاج خوردن و آشامیدن نیست. آن کنیز را بفروش و قیمت او را به فقرای زوار بده، تا آخر حدیث،<sup>۲۵</sup> که در قانون اسلام نوشته ام.

پس از این دو حدیث، معلوم شد که باید در امر ذبح قربانی منا محل حاجت<sup>۲</sup> مراعات شده و اصلح و الزم جزء آن مقدم شود؛ هر چند که جزء اهون و اصغر آن فوت شود، یا مبدل به غیر گردد؛ چنان که امام، وصیت به خانه کعبه را تبدیل به دادن مال الوصیه به محتاجین حجاج فرمودند.

و علاوه، در احادیث صحیحه فرموده اند که ما امامان، اصول احکام را بیان می کنیم و بر شما است که فروع را از آن اصول استخراج بکنید. و به موجب اصل «لا ضرر و لا ضرار» و امثال آن، اتلاف حقوق فقرا جایز نیست، و حفظ آن نسبت به فوت ذبح، اهم و الزم است.

و نیز در احادیث متواتره در کتب اربعه از اتلاف مال نهی کرده اند، و همچنین از اسراف منع فرموده اند. آیا دفن کردن این همه قربانیها در منا اتلاف و اسراف نیست؟ آیا صاحب شرع انور فرموده که آن قربانیها را دفن نمایند و فقرا و ضعفا محروم



عرض کردم: از چند نفر کافی است؟  
فرمود: از هفتاد نفر. ۲۷

و در فقیه روایت کرده که یک نفر شتر از ده نفر اشخاص، کافی است. و در زمانی که گران باشد، یک گوسفند از هفتاد نفر کفایت می‌کند. ۲۸

و در تهذیب [الاحکام] از ابن عمار روایت کرده، که حضرت صادق (ع) فرمود که یک گاو از پنج نفر در منا کافی است، وقتی که اهل یک سفره باشند.

و در خصال، و عیون [الاخبار] و تهذیب [الاحکام] از ابی بصیر روایت کرده اند که آن حضرت فرمود: شتر و گاو از هفت نفر کفایت می‌کند، چه از اهل یک بیت باشند یا از بیوت متفرقه. و مثل اینهاست احادیث دیگر.

و اما آنچه در احادیث وارد شده، که در منا یک گوسفند یا یک گاو از دو نفر کافی نمی‌شود، در مردمان صاحب قدرت و ثروت است، و برای سایرین، از هفت نفر تا هفتاد نفر، یک گوسفند کافی است؛ چنان‌که در رساله اعمال حج بیان کردم. و در بین احادیث اختلاف نیست. و از برای چند نفر، یک گوسفند، در حال

ضرورت، کافی است، که قیمت آن را به فقرا بدهند و یا به ارحام فقیر خودشان بدهند و با ذبح کردن، باعث اتلاف مال و تضییع حق ضعفا نشوند و ایراد و اعتراض دهری و طبعی و غیره را بر دین قویم اسلام وارد نکنند. و بحمد الله با بیانات سابقه در این وجیزه جواب آنها داده شد، که ایرادات بر دین اسلام وارد نیست، و بلکه بر عادات مسلمین وارد است؛ چنان‌که جماعت یهود و مسیحیان چندین عاداتی دارند که حضرت موسی و حضرت عیسی (ع) نفرموده‌اند، و ما را نزدیک به مجرد دیدن آن عادات به آن پیغمبران ایراد نماییم.

و تمام شد این وجیزه در ساعت دویم، از دهه دویم، از ماه هفتم، از سال آخر، از عشره پنجم از صد چهارم، از هزاره دویم، از هجرت نبوی. به دست احقر فانی، حسین بن نصرالله موسوی عرب باغی.  
والحمد لله علی ذلک.

۲۷. الکافی، ج ۴، ص ۴۹۶، ح ۴؛ التهذیب، ج ۵، ص ۲۰۹، ح ۷۰۳؛ الاستبصار، ج ۲، ص ۲۶۷، ح ۹۴۸.  
۲۸. الفقیه، ج ۲، ص ۲۹۴، ۱۴۵۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۲۱.